

وكنون ما خلقناكم وما بعدكم الا كنفوس واحدا
 افصح فيما يدع حجاب خفازه و حقیقت آن میکان
 در حدیث است که من نواضع لله رفعة الله و اعانت
 انت که در حفظ می ملت و حرمت تمام آن جایز نداد
 و در آن باب سعی باقص الغار لازم شد و قال رسول
 الله صلی الله علیه و آله و سلم ان الله لغفور و لرحیم
 جل غیره صرح الفوا حشر و قال صلی الله علیه و آله
 ان سعید الغفور و انا غیر من سعید و الله تعالی اعیر
 منی و اما رفت بلکه تأثیر از نام ابا حسن است بی
 اضطراری که در احوال او ظاهر شود و اما انواع که در کتب
 جنس عفت است دو گونه است اول همان که در آن
 نفس است در وقت استیفاء بر از ارتکاب قبیح حکم
 از اسحاق خدمت و در حدیث نبویست هم المؤمن
 خیر کلمه دوم دوم رفتی و آن انقیاد نفس است اسود

حارث شود از طریق تبرع **سیم** حسن بدی آن کمال
 رغبت نفس است باستکمال مکارم **چهارم** سلامت
 و آن سلامت در وقت تضادم آری محقق است که ای
 تفرقه **پنجم** دعوت و آن سکون نفس است در وقت
 حرکت شهوت **ششم** صبر و آن مقاومت نفس است
 باهوات مزاد است لذات پیچ از و صده و رسیده قال الله تعالی
 و اما من خاف مقام ربه و نظی النفس عن اللذی
 فان الجنة هی المأوی و بعضی صبر را در تمام کرد و این
 یکی صبر از طلب و یکی صبر بر کرده و نسیم نانی قلین تقویت
 غضبی دارد و صبر بر زور معاقبت و تقویت چنانچه
 حضرت عزت عزت کلمه **هفتم** و در طوایف
 نونین و فاق را صلی الله علیه و آله **هفتم** صبر بر مایه قاضیه
 کاضیه او الغیر من الرسل یعنی در تحمل مشاق و ثبوت
 بر مکان موافقت با دیگر اینها که قربانان با رکاد کبر یا مؤیدان و